

## رسانه‌ها و بحران‌های بین‌المللی و منطقه‌ای؛

### تحلیل انتقادی پیش‌فرض مقاله‌های خبری مطبوعات ترکیه درباره بحران سوریه

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۲/۱۵

علی حاجی‌محمدی\*

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۶/۳

\* مهدی منتظر قائم\*\*

#### چکیده

امروزه، رسانه‌ها به‌عنوان فراگیرترین و مؤثرترین نهاد تولید، بازتولید و توزیع دانش و معرفت در جهان هستند و اغلب مسائل، در ابعاد اقتصادی، فرهنگی و سیاسی-اجتماعی در سطح ملی و در عرصه بین‌المللی در محیط رسانه‌ای متجلی می‌شود. بحران‌های بین‌المللی و منطقه‌ای نیز نه‌تنها توسط رسانه‌ها پوشش داده می‌شوند، بلکه به‌وسیله راهبرد و سازوکارهای رسانه‌ای شکل می‌گیرند. هدف این تحقیق، تحلیل پیش‌فرض در گفتمان رسانه‌های خبری ترکیه درباره بحران سوریه است. برای دست یافتن به این هدف، بر اساس چارچوب نظری تحلیل گفتمان انتقادی و ابزارها و فن‌های حوزه‌های دیگر مطالعاتی مثل معناشناسی و کاربردشناسی، پیش‌فرض‌ها و دلایل ایدئولوژیکی آنها تحلیل شدند؛ تحلیل نشان داد که نویسندگان مقالات خبری برگزیده روزنامه‌های ترکیه، بنا به دلایل ایدئولوژیکی و سیاسی، دانش یکسانی درباره بحران سوریه و کنشگران منطقه‌ای و جهانی پیش‌فرض می‌گیرند. این پیش‌فرض‌ها دارای عناصر و مؤلفه‌هایی هستند که گفتمان تصویرسازی بحران سوریه در مقاله‌های خبری، روزنامه ترکیه را تشکیل می‌دهد.

#### واژه‌های کلیدی

مطبوعات ترکیه، مقاله‌های خبری، پیش‌فرض، بحران سوریه، تحلیل انتقادی.

\* دانشجوی دکتری علوم ارتباطات دانشگاه تهران (نویسنده مسئول) a.hajimohammadi.ut@gmail.com

mmontazer@ut.ac.ir

\*\* دانشیار گروه ارتباطات اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی

## مقدمه

امروز در عرصه بین‌الملل، سیاست، جامعه، فرهنگ، اقتصاد و امور خارجی به طرز تفکیک‌ناپذیری بر اساس اطلاعات عمل می‌کنند و رسانه‌ها به‌عنوان جزو مهم ساختار اطلاعاتی، فراگیرترین و مؤثرترین نهاد تولید، بازتولید و توزیع دانش و معرفت در مقایسه با سایر نهادهای آگاهی و شناخت در جهان هستند و اغلب مسائل در ابعاد اقتصادی، فرهنگی، و سیاسی-اجتماعی در سطح ملی و در عرصه بین‌المللی در محیط رسانه‌ای متجلی می‌شود. رسانه‌ها، با جریان مداوم و مکرر بازنمایی<sup>۱</sup> از «دیگران»، به طرز قوی بر ادراک‌ها و کنش‌های مخاطبان آن‌ها از کسانی که بازنمایی می‌شوند تأثیر می‌گذارند و موجب شکل‌گیری تصویر ذهنی از دنیای اطراف می‌شوند (مهدی‌زاده، ۱۳۸۷، ص ۵۲)؛ زیرا رسانه‌ها، کنشگران اجتماعی مهمی هستند که از قدرت اقتصادی، سیاسی و فرهنگی برخوردارند (رک. پول، ۲۰۰۲) و با قرار دادن موضوعات و رویدادها در طیفی از معانی اجتماعی و فرهنگی شناخته‌شده، نقش مهمی در معنی و مفهوم‌سازی دارند (رک. هال و دیگران، ۱۹۷۸).

در زمان شکل‌گیری بحران‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، عدم اطمینان و یا مناقشه، معنی و مفهوم‌سازی رسانه‌ای اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. در چنین شرایطی، فضای رقابتی بر عرصه خبر و اطلاع‌رسانی و کسب اعتبار در پوشش رویدادها حاکم می‌شود و رسانه‌ها به‌عنوان اولین سطح تماس افکار عمومی با بحران و مناقشه، ابزار سودمند و مفیدی برای اطلاع‌یابی و مفهوم‌سازی و تفسیر از حوادث و رویدادها می‌شوند. در حقیقت، بحران‌های بین‌المللی و منطقه‌ای نه‌تنها توسط رسانه‌ها ابلاغ می‌شوند، بلکه در بیشتر مواقع توسط آن‌ها شکل می‌گیرند (سیلورستون<sup>۲</sup>، ۲۰۰۷، ص ۴۲). رسانه‌ها یک طرف بحران و یا مناقشه را به‌عنوان طرف خود در نظر می‌گیرند و طرف دیگر را به‌عنوان دشمن فرض می‌کنند و اصل توازن را رها می‌کنند (کاروترز<sup>۳</sup>، ۲۰۰۰، ص ۳۱). در این شرایط، با جریان سریع اطلاعات، فراتر از مرزها، تأثیر رسانه بر روابط انسان‌ها و ارتباط دولت‌ها و روابط بین‌الملل و سیاست خارجی و واکنش طرف‌های درگیر مناقشه یا بحران و شکل‌گیری عقاید افزایش پیدا می‌کند و رسانه‌ها، به بخش اصلی و

مرکزی صحنه سیاسی تبدیل می‌شوند و بر فرآیندهای تصمیم‌گیری، سیاست‌گذاری و شکل‌گیری ائتلاف تأثیر می‌گذارند (ولفسفلد<sup>۵</sup>، ۲۰۰۰).

در سال‌های اخیر تغییر و تحولات مختلفی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا اتفاق افتاده است؛ اما در بین این تحولات، بحران سوریه از هر لحاظ اهمیت زیادی دارد؛ زیرا بحران سوریه تنها مسئله سوریه نیست بلکه مسئله تنازع و تضادهای گفتمانی منطقه‌ای و جهانی و بروز و ظهور سیاست‌های منطقه‌ای و قطب‌بندی جهانی و به تعبیر دیگر، چشم‌انداز آینده سیاسی جهان است. بازیگران مهم منطقه‌ای مثل ایران و ترکیه نقش بسیار مهمی در بحران جاری سوریه دارند و هر اتفاقی در سوریه بیفتد بر آینده سیاسی این دو کشور و روابط آن‌ها تأثیرگذار خواهد بود (هوکایم<sup>۶</sup>، ۲۰۱۲). ترکیه همسایه شمالی سوریه و دارای طولانی‌ترین مرز مشترک با سوریه است و رابطه بین این دو کشور به دلیل اختلافات تاریخی، بیشتر سایشی بوده است؛ اما بعد از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲، روابط در سطوح مختلف به تدریج بهتر و دوستانه شد؛ اما با شروع اختلافات در سوریه و شکل‌گیری بحران، ترکیه نقش فعال-تری در فرایند بحران سوریه ایفا کرد و مواضع مختلف و متفاوتی در روند بحران سوریه اتخاذ کرد و به تدریج لحن سازگاری اولیه به انتقاد شدید و آشکار از رژیم سوریه و در نهایت مداخله نظامی و حمله به سوریه تغییر کرد اما مواضع ایران نسبت به بحران سوریه چندان تغییر نکرده و روند ثابتی را طی می‌کند (تاشپینار<sup>۷</sup>، ۲۰۱۲).

با عنایت به اینکه رسانه‌ها نقش مهمی در زمان بحران دارند، مشاهده می‌شود که رسانه‌های ترکیه نیز همگام با رسانه‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بعد از شروع بحران در سوریه، همانند مواضع رسمی ترکیه، مواضع متعدد و متفاوتی را در پیش گرفتند (رابرتسون<sup>۸</sup>، ۲۰۱۳، ص ۱۶). روزنامه‌های رسمی ترکیه نیز با ترسیم فضای گفتمانی، تعداد قابل‌توجهی مقاله و تحلیل با رویکردهای متفاوت و مختلف نسبت به بحران ترکیه منتشر کردند. با توجه به اینکه نویسندگان مقاله‌های خبری و سرمقاله‌ها از سازوکارهای مختلف ساختار زبان‌شناختی متن و فرازبانی در جهت تحقق ایده‌ها و اهدافشان استفاده می‌کنند، از این رو، به‌عنوان یک نوشته حرفه‌ای نسبت به بقیه قسمت‌های روزنامه، دارای طیف زیادی از گفتمان عقاید و ارزیابی و اظهارنظر در

رویدادهای خبری هستند و به دلیل ماهیت تفسیری، استدلالی و اقناعی بر خوانندگان و تصمیم‌گیرندگان تأثیر می‌گذارند (وندایک<sup>۸</sup>، ۱۹۸۹؛ آچوگار<sup>۹</sup>، ۲۰۰۴). یکی از ویژگی‌ها و سازوکارها، استفاده از پیش‌فرض (پیش‌انگاری)<sup>۱۰</sup> به‌عنوان ویژگی استفاده و کاربرد زبان در مقاله‌های خبری است، که دارای دلالت‌های تلویحی بوده و برای دستیابی به اهداف ایدئولوژیکی در رمزگذاری رویدادها از آن استفاده می‌شود تا افکار خوانندگان را به سمت و سوی خاصی ببرد (بکالو<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۶، ص ۱۵۰). هدف این مطالعه، تحلیل پیش‌فرض‌ها و دلایل ایدئولوژیکی پنهان استفاده از پیش‌فرض‌ها در گفتمان مقاله‌های خبری روزنامه‌های ترکیه درباره بحران سوریه در چارچوب انتقادی است.

#### ۱. مبانی نظری

هرچند رویکردهای مختلفی برای مطالعه گفتمان رسانه‌ها وجود دارد اما تحلیل گفتمان انتقادی به دلیل چشم‌انداز آشکار اجتماعی-سیاسی‌اش، برای مطالعه گفتمان رسانه مناسب است؛ زیرا اصول مهم تحلیل گفتمان انتقادی، کشف ایدئولوژی و بررسی «نقش گفتمان در (باز) تولید و به چالش کشیدن سلطه» است (وندایک<sup>۱۲</sup>، ۱۹۹۳، ص ۲۴۹). از این منظر می‌توان محورهای زیر را در شکل‌دهی به چارچوب نظری بحث حاضر، مهم ارزیابی نمود:

#### ۱-۱. رسانه و قدرت

رسانه‌ها نقش محوری در ایجاد و تداوم روابط قدرت دارند؛ زیرا از طریق اعمال و شیوه‌های رسانه‌هاست که ایدئولوژی غالب، توزیع و تقویت می‌شود (فرکلان<sup>۱۳</sup>، ۲۰۰۱، صص ۴۳-۵). همانند هر منبعی، گفتمان رسانه‌ها می‌تواند برای مذاکره، چالش و مقاومت در برابر روابط نابرابر و سلطه موجود استفاده شود (گرت و بل<sup>۱۴</sup>، ۱۹۹۸، ص ۶). یکی از گفتمان‌های مؤثر رسانه‌ها، در گفتمان رسانه‌های خبری مشهود است و تحقیق درباره پوشش و بازنمایی حوادث مختلف در گفتمان رسانه‌های خبری، بر این فرضیه انجام شده است که چنین رسانه‌هایی، دنیای واقعی را منعکس نمی‌کنند، بلکه شکلی از واقعیت را بر می‌سازند؛ زیرا فرایند تولید خبر لزوماً درگیر فرآیند گزینش و تغییر است. بر همین اساس، فاولر<sup>۱۵</sup> و همکارانش (۱۹۷۹) معتقدند سخنرانان و

نویسندگان از طریق کاربرد و استفاده زبان، شنوندگان و خوانندگان را دست‌کاری می‌کنند و زبان، تغییرات قدرت و شرایط اجتماعی را در جوامع گفتاری به رمز درمی‌آورد. علاوه بر آن، معتقدند ایدئولوژی یک مقوله زبان‌شناختی است و بهترین روش برای کشف پیام‌های ایدئولوژیکی برخی نهادها، مطالعه گفتمان آن‌هاست.

### ۱-۲. نقش عناصر زبانی و ایدئولوژیک

تحلیل‌گران در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی، با شناسایی و توضیح عناصر زبانی، ایدئولوژی را در گفتمان خبری موردبررسی قرار داده‌اند. تحقیقات اولیه این نوع از تحقیقات شامل ترو<sup>۱۶</sup> (۱۹۷۹) و هاج<sup>۱۷</sup> (۱۹۷۹) بود. ترو برای مطالعه ویژگی ایدئولوژیکی گفتمان روزنامه‌ها، روش‌ها یا مدل‌های به‌کارگیری نظریه زبان‌شناختی را گسترش داده است. با توجه به داده‌ها و اطلاعات حاصل از مطالعات، ترو بیان کرد که گفتمان، حوزه فرآیندهای ایدئولوژیکی و زبان‌شناختی است و از این رو، نظریه زبان‌شناختی را می‌توان برای کشف و آشکار ساختن فرآیندهای ایدئولوژیکی در متون و آثار موردنظر استفاده کرد. در این زمینه، هاج (۱۹۷۹) معتقد است که یک روزنامه، مدل یا نسخه‌ای از جهان اجتماعی است و تنها زمانی می‌توانیم این جهان اجتماعی را درک کنیم که مدل و مخاطبان آن را بشناسیم. هاج سه راه اساسی برای رسیدن به ساختار اصلی یا ایدئولوژی روزنامه را موردبحث قرار می‌دهد. اول، با پرسش از ویراستار که ایدئولوژی او چیست و امید به اینکه او غیر از واقعیت، چیز دیگری نمی‌گوید یا با نگاه به دستورالعمل‌هایی که سیاست تحریریه روزنامه بر اساس آن شکل گرفته است. روش دوم از جهان حوادث شروع و تا فرآیند تغییر مرحله‌به‌مرحله تا تحقق نهایی آن در روزنامه ردیابی می‌شود. نکته سوم، تجزیه و تحلیل محصول نهایی خود روزنامه، یعنی متن است. هاج معتقد است نظریه زبان‌شناختی را می‌توان برای اجرای راهبرد سوم کشف ایدئولوژی روزنامه به کاربرد.

### ۱-۳. قالب‌های اساسی تولید محتواهای ایدئولوژیک

در بین متون، مقاله‌ها و سرمقاله‌های روزنامه‌ها از گزارش‌های خبری و تبلیغات و سایر متون روزنامه متفاوت هستند؛ زیرا دارای ارزیابی و اظهارنظر در رویدادهای خبری

هستند که قبلاً در روزنامه‌ها و سایر رسانه‌ها گزارش شده بود و متعلق به طیف زیادی از گفتمان عقاید هستند (ریح<sup>۱۸</sup>، ۲۰۰۲: ۱۰۶). انتخابی که نویسندگان مقاله‌ها و سرمقاله‌ها در بیان اطلاعات به شیوه آشکار یا تلویحی انجام می‌دهند، معمولاً تحت تأثیر ایدئولوژی مشخص است که آن‌ها از آن تبعیت می‌کنند؛ بنابراین، مقاله‌های تحلیلی و سرمقاله‌های روزنامه‌ها، مخزنی از محتوای ایدئولوژیکی‌اند و در گفتمان سیاسی نقش مهمی دارند و لازم است در این راستا، تحقیقات بیشتری برای بررسی موضوعات ایدئولوژیکی انجام گیرد.

#### ۱-۴. نظریه چند رشته‌ای تحلیل گفتمان انتقادی

در این زمینه، وندایک (۲۰۰۱) با توسعه جنبه‌های شناختی پردازش گفتمان، بر ضرورت نظریه چند رشته‌ای تحلیل گفتمان انتقادی تأکید می‌کند و گفتمان، شناخت و جامعه را ترکیب می‌کند. از نظر روش‌شناختی در رویکرد وندایک، تحلیل‌گر زبان‌شناسی انتقادی به پیوند روابط با زمینه و فرآیندهایی مانند رمزگشایی، تفسیر، نقش دانش زمینه (بافت) و اعتقادات خوانندگان در فرآیند تولید و فهم می‌پردازد. در روش تحلیل وندایک (۲۰۰۴)، ایدئولوژی نقش بنیادی و اساسی دارد. از نظر او، ایدئولوژی تفسیر چارچوب‌هایی است که یک سلسله نگرش‌ها و جهان‌بینی‌ها را درباره دیگر عناصر موجود در جامعه سازمان‌دهی می‌کنند. بر اساس نگاه او، ارتباطی بین ایدئولوژی، جامعه و گفتمان وجود دارد که معنی در درون ساختارهای اجتماعی اتفاق می‌افتد و این تعامل اجتماعی به شکل متن و یا گفتمان متبلور می‌شود. این متن یا گفتمان، خود بر اساس یک نظام یا حافظه‌شناختی تمیز داده می‌شود. در حقیقت، وندایک در پی توسعه مدل یا الگوی نظری است که سازوکارهای فرآیند گفتمان‌شناختی را توضیح دهد (ووداک و مییر<sup>۱۹</sup>، ۲۰۰۱، ص ۷). رویکرد وندایک با رویکرد زبان‌شناختی که فقط روساخت‌ها و معانی جمله‌ها را مطالعه و تجزیه و تحلیل ساختاری انجام می‌داد، متفاوت است. وندایک در تحقیقات خویش با بیان اصول کلی تحلیل گفتمان‌شناختی<sup>۲۰</sup>، ساختارهای گفتمانی را مطرح می‌کند که به‌طور خاص نیاز به

تحلیل شناختی دارند (وندایک، ۲۰۰۰). یکی از این ساختارهای گفتمانی، پیش‌فرض<sup>۲۱</sup> هست که موضوع و هدف مطالعه کنونی این تحقیق است.

#### ۱-۵. ساختار گفتمانی مبتنی بر پیش‌فرض

هرچند ریشه‌های پیش‌فرض به فلسفه و منطق برمی‌گردد، اما لزوماً پیش‌فرض یک مفهوم گفتمانی یا کاربردشناختی است و تعاریف و نظرات مختلفی در باب پیش‌فرض از سوی زبان‌شناسان مطرح شده است. شاید ساده‌ترین روش تعریف پیش‌فرض، تمایز بین آنچه به‌عنوان «مفروض»<sup>۲۲</sup> و آنچه به‌عنوان «جدید»<sup>۲۳</sup>، در یک تبادل زبان‌شناختی خاص است، که پیش‌فرض معادل با اطلاعات مفروض یا موافق شده است (یول<sup>۲۴</sup>، ۱۹۹۶، ص ۶۵). در حقیقت، یکی از ابزارهای قوی برای انتقال معنا، روشی است که در آن زبان بتواند معنای خاصی را فرض کند، بدون اینکه مستقیماً به آن اشاره شده باشد. از یک منظر، پیش‌فرض به‌منزله یک ویژگی و مشخصه عمومی کاربرد زبان، به‌عنوان ادعاهای بدیهی و ضمنی اصلی در معنی آشکار یک متن یا پاره‌گفتار تعریف شده است (ریچاردسون<sup>۲۵</sup>، ۲۰۰۷، ص ۶۳). این ادعاها از روی متن و از طریق «واژگان یا عبارات فهمیده می‌شوند که صدق عبارت‌ها و اظهارنظرها را فرض می‌گیرد» (هاکین<sup>۲۶</sup>، ۲۰۰۲، ص ۱۶۱). از منظر دیگر، پیش‌فرض به‌عنوان یک مفهوم، به دانش و اطلاعاتی اشاره می‌کند که در یک گفتمان مشخص، مسلم و بدیهی هستند (بکالو، ۲۰۰۶، ص ۱۵۲). در حقیقت، بدون پیش‌فرض، «نوشتن یا بیان جمله‌ای از یک رویداد غیرممکن است؛ زیرا پیش‌فرض، یک ویژگی و مشخصه ذاتی زبان است» (بکالو، ۲۰۰۶، ص ۱۵۳). با وجود این، از نظر تحلیل گفتمان انتقادی، این جنبه از پیش‌فرض را که می‌توان همانند سایر ویژگی‌های زبان مطالعه کرد، چندان موضوع مهمی نیست؛ اما آنچه مهم است صدق آن اظهارنظرها و بیاناتی است که کاربران زبان بر قسمتی از شنوندگان یا خوانندگان فرض می‌گیرند؛ یعنی، در بیشتر موارد، دانش، فرض شده یا پیش‌فرض اصلاً درست نیست و یا دلایل ایدئولوژیکی دارد. در تحلیل گفتمان انتقادی، افشای پیش-فرض‌های ایدئولوژیکی ضروری است؛ زیرا اغلب این مفروضات ایدئولوژیک برای خواننده به‌عنوان «عقل سلیم»<sup>۲۷</sup> ارائه می‌شود. از طریق این نوع پیش‌فرض، گویندگان یا

نویسندگان، تلاش می‌کنند برای دستیابی به اهداف تبلیغ سیاسی و فریب یا دست‌کاری دیگران و تأثیر بر فهم و درک شنوندگان یا خوانندگان از آن استفاده کنند. این ماهیت دست‌کاری‌کننده، پیش‌فرض را به‌عنوان یک ابزار اقناعی و متقاعدکننده تأثیرگذار در گفتمان رسانه و به‌ویژه خبر تبدیل می‌کند. در این زمینه، بکالو (۲۰۰۶، ص ۱۴۷) معتقد است که روزنامه‌نگار برای دست یافتن به تأثیر شناختی لازم در خوانندگان موردنظر، بنا به دلایل ایدئولوژیکی از پیش‌فرض‌های غیرمنصفانه استفاده می‌کند تا موضوعات مشخصی را مبهم ساخته و یا ایده خاصی را ترویج کند. نویسندگان/گویندگان، انواع مختلفی از دانش را پیش‌فرض می‌کنند. در گفتمان خبر، روزنامه‌نگار ممکن است دانش شخصی، اجتماعی و فرهنگی و نیز دانش درباره ویژگی‌های خاص یا عمومی رویدادها و دانش درباره ساختارهای تاریخی و سیاسی را پیش‌فرض بگیرد (وندایک، ۲۰۰۱). بر همین اساس، وندایک معتقد است در تحلیل پیش‌فرض، علاوه بر ویژگی‌های زبان‌شناختی، تأثیرات احتمالی سایر عناصر بافتی و زمینه‌گوینده یا نویسنده (مثل اهداف او)، باید مدنظر قرار گیرد. بافت<sup>۲۸</sup> در اینجا به مجموعه مفروضاتی اطلاق می‌شود که در حافظه گوینده و شنونده ذخیره شده‌اند. در این زمینه، اسپربر و ویلسون<sup>۲۹</sup> (۱۹۹۵) مهم‌ترین تأثیر شناختی را نتیجه هم‌زمان بافت و اطلاعات زبان‌شناختی در گفتمان خبر مطرح می‌کنند.

بر اساس آنچه در بالا گفته شد، پیش‌فرض مقاله‌های خبری و سرمقاله‌ها نقش مهمی در افکار عمومی دارد. افکار عمومی ترکیه به دلیل نزدیکی به سوریه تا حدودی از اتفاقات بحران سوریه باخبرند، اما تفسیر حوادث و اتفاقات در پیش‌فرض‌ها پیرامون بحران سوریه در مقاله‌های خبری روزنامه علاوه بر تأثیرگذاری بر افکار عمومی، می‌تواند گفتمان جامعه ترکیه را نسبت به بحران سوریه نشان دهد. این مطالعه در چارچوب کلی رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی، مفهوم‌سازی می‌شود؛ اما با توجه به چندرشته‌ای بودن تحلیل گفتمان انتقادی، از ابزارهای تحلیلی رویکردهای نظری رشته‌های دیگر (کاربردشناسی و معناشناسی) برای بررسی پیش‌فرض‌ها و کشف ایدئولوژی‌های پنهان در گفتمان مقاله‌های خبری روزنامه‌های ترکیه، پیرامون بحران سوریه استفاده می‌کند. تقسیم‌بندی‌های مختلفی در باب پیش‌فرض وجود دارد، اما با توجه به ادبیات این حوزه



(گروندی<sup>۳۰</sup>، ۱۹۹۵؛ آلکاراز<sup>۳۱</sup>، ۱۹۹۹؛ استلناکر<sup>۳۲</sup>، ۲۰۰۰؛ نوریک، ۲۰۰۱؛ لامبرکت<sup>۳۳</sup>، ۱۹۹۴؛ بکالو، ۲۰۰۶؛ وندایک، ۲۰۰۱)، دو نوع تقسیم‌بندی عمده در پیش‌فرض وجود دارد که در این مقاله برای تحلیل مقاله‌های خبری استفاده خواهد شد:

### الف. پیش‌فرض معناشناختی

پیش‌فرض معناشناختی<sup>۳۴</sup> به گزاره‌هایی اشاره می‌کند که گیرنده پیام فرض می‌کند درست است. این نوع پیش‌فرض جدا از زمینه و بافت بوده و از طریق استفاده از واژگان‌ها و ساختارهای خاص، رمزگذاری و رمزگشایی می‌شود. توصیف‌های معین<sup>۳۵</sup>، تکریری<sup>۳۶</sup> (دوباره، دیگر، برگشتن، زمان دیگر، تکرار کردن، برای چندمین بار، بازگرداندن، دوباره روشن (شعله‌ور) کردن...)، افعال حقیقی<sup>۳۷</sup> (آگاه بودن، فهمیدن، دانستن و...)، گزاره‌های احساسی<sup>۳۸</sup> (متعجب بودن، فراموش کردن، متأسف شدن، افسوس خوردن، پشیمان شدن، منجزر بودن) و پیش‌فرض‌های سؤالی<sup>۳۹</sup> (جملات و عبارات پرسشی) ابزارهای زبان‌شناختی رایج برای نشان دادن پیش‌فرض‌ها هستند. پدیده‌های دیگری نیز هستند که به پیش‌فرض‌ها کمک می‌کنند؛ از جمله تغییر گزاره‌های حالت<sup>۴۰</sup> (شروع کردن، ادامه دادن، سرد کردن (فرونشاندن و خاموش کردن)، توقف کردن، تمام کردن، ترک کردن، وارد شدن، آمدن، رفتن، رسیدن، گرفتن و سوءاستفاده کردن، دست کشیدن از و...<sup>۴۱</sup>) و افعال استلزامی<sup>۴۲</sup> (به یادآوردن، مدیریت کردن، اتفاق افتادن، اجتناب کردن و...<sup>۴۳</sup>)، افعال قضاوت<sup>۴۴</sup> (نقد و انتقاد کردن، متهم کردن، سرزنش کردن)، اسنادسازی<sup>۴۵</sup>: قرار دادن رشته‌ای از کلمات X در درون ساختاری که با It is/was شروع شده است: It was X that... و شبه اسنادسازی<sup>۴۶</sup>: تأکید بر یک عبارت در یک جمله. شامل قرار دادن رشته‌ای از کلمات قبل از is/are what or is/are who عبارات زمانی و واقعیت‌گیزی<sup>۴۷</sup> (خلاف واقع) (برخی جملات شرطی و عباراتی مثل به‌جای، تا زمانی که ... وجود دارد، نام‌گذاری<sup>۴۸</sup> (نام دهی)، ساختار ملکی<sup>۴۹</sup> و نسبت دادن ویژگی‌های منفی و مثبت<sup>۵۰</sup>)، عبارات ربطی و قیدی<sup>۵۱</sup>، پیش‌فرض از طریق عبارات پرنانزی و گزاره‌ای و فرضی<sup>۵۲</sup>، قیود و افعال وجهی.

### ب. پیش فرض کاربردشناختی

پیش فرض کاربردشناختی<sup>۵۳</sup> به گزاره‌هایی اشاره می‌کند که گوینده یا نویسنده ارزش صدق<sup>۵۴</sup> آن را در گفته‌هایش مسلم و بدیهی در نظر گرفته است و شامل اطلاعات قبلی درباره دانش، باورها، ایدئولوژی و مجموعه‌ای از ارزش‌هاست که نویسنده فرض می‌کند شنونده (مخاطب) قبلاً آن‌ها را می‌داند. پیش فرض کاربردشناختی طبیعتاً غیر زبان‌شناختی است و به بافت و زمینه‌ای مربوط می‌شود که در آن گفتار یا گزاره به کاررفته است. نویسندگان/گویندگان بر اساس دانش مشترک و زمینه‌ای، بین آن‌ها و مخاطبان‌شان، آگاهانه یا ناآگاهانه، پیش فرض‌هایی کاربردشناختی در نظر می‌گیرند. چنین پیش فرض‌هایی، ایستا نیست بلکه استنباطی و تحلیلی است و به‌طور آگاهانه یا ناآگاهانه، برای اهداف ارتباطی خاص به کار گرفته می‌شوند.

هرچند چنین تقسیم‌بندی‌هایی، پیش فرض معناشناختی را از کاربردشناسی متمایز می‌کند اما در عمل، تمایز و جدایی این دو مفهوم، خیلی سخت است؛ همان‌طور که لامبرکت (۱۹۹۴) بیان می‌کند، ساختارهای یکسانی برای هر دو وجود دارد و پیش فرض‌های معناشناختی را باید به‌عنوان پدیده‌های کاربردشناختی در زبان در نظر گرفت.

### ۲. روش‌شناسی

محققان معتقدند تحلیل گفتمان انتقادی، لزوماً یک پارادایم کیفی است (مائوتر<sup>۵۵</sup>، ۲۰۰۵، ص ۸۱۵) و بیشتر تحقیقات تحلیل گفتمان انتقادی در حوزه رسانه‌های خبری، از روش‌های کیفی در بررسی داده‌های زبان‌شناختی استفاده کرده‌اند. بر همین اساس، در این مقاله از روش کیفی و نمونه‌گیری هدفمند یا نظری<sup>۵۶</sup> استفاده شده است. این کار مبنای مرتبط بودن موردها، با تحقیق و به روش قضاوتی و راهبردی، نه معرف بودن، انجام گرفته است (فلیک، ۱۳۸۷، ص ۱۳۸)؛ بنابراین برای انتخاب دقیق و منطقی داده‌های تحقیق، نخست اصطلاح «سوریه»<sup>۵۷</sup> در روزنامه‌های ملی ترکیه در یک بازه زمانی مشخص (فروردین ۱۳۹۱ تا اواخر مرداد ۱۳۹۲) جستجو شد که روی هم رفته، ۴۰ مقاله خبری بود. معیار بعدی در این مرحله، متن مقاله‌ها بود که در آن، اولاً سوریه به‌عنوان

موضوع اصلی (یکی از موضوع‌های اصلی) باشد و ثانیاً مقاله خبری، انتقادی<sup>۵۸</sup> باشد. این نوع مقاله‌ها، اهداف ارتباطی مختلفی دارند و از سوی هیئت تحریریه روزنامه به‌عنوان مسئله بحث‌برانگیز در نظر گرفته می‌شوند و برای نقد، چالش سیاست‌ها، تصمیم‌ها و تغییرات نگاشته می‌شوند (هال، ۲۰۰۳، ص ۱۵۹). برای دست یافتن به این هدف، عنوان، مقدمه، بخش اصلی و قسمت انتهایی مقاله‌ها، بررسی و مطالعه شدند و از ۴۰ مقاله، ۱۶ مقاله، موضوع اصلی‌شان، سوریه بود و انتقادی تشخیص داده شدند. بقیه مقاله‌ها که فقط دارای واژه «سوریه» و غیر انتقادی بودند، حذف شدند. از آنجایی‌که در تحقیقات کیفی، هدف مطالعه عمقی و ژرفانگر با نمونه‌های اندک است در مرحله بعد، برای انتخاب نمونه انتخابی و به حداقل رساندن سوگیری محقق، از طیف لیکرت<sup>۵۹</sup> استفاده شد که امروزه برای اندازه‌گیری و آزمون نگرش افراد نسبت به موضوعات و رویدادها کاربرد دارد (بی، ۱۳۸۱). در طیف لیکرت گرایش به یک موضوع بر اساس ارزش‌های جامعه اندازه‌گیری و موردسنجش قرار می‌گیرد و کاربرد این طیف نیز در جهت بررسی گرایش‌ها نسبت به مسئله سیاسی-اجتماعی و اقتصادی است (رفیع پور، ۱۳۷۴، ص ۲۰). بر همین اساس، به دلیل اینکه مسئله سوریه مورد مناقشه ایران و ترکیه و از نظر سیاسی و اقتصادی برای جامعه ما مهم است، در این قسمت از تحقیق، گویه‌ها به چهار قسمت (خیلی مهم و جدی، تا حدی مهم و جدی، غیر مهم و جدی و نمی‌دانم) تقسیم‌بندی شدند و ۱۶ مقاله موردنظر به ۱۰ کارشناس مسائل خاورمیانه در ایران داده شد تا میزان حساسیت یا جدی بودن موضوع مقالات را بر اساس طیف لیکرت انتخاب نمایند. در نهایت، ۴ مقاله که بیش‌ترین درجه حساسیت و جدی بودن را دریافت کردند برای تحلیل نهایی انتخاب شدند.

### ۳. تحلیل داده‌های تحقیق

در این قسمت از تحقیق، ۴ مقاله منتخب روزنامه‌های ترکیه درباره بحران سوریه بر اساس چارچوب نظری تحلیل گفتمان انتقادی و ابزارها و فن‌های حوزه‌های دیگر مطالعاتی، مثل معاشناسی و کاربردشناسی، پیش‌فرض‌ها و دلایل ایدئولوژیکی تحلیل می‌شوند.

## مقاله اول

عنوان: گولتکین آوجی، دسیسه حاتای، ایران و گروه شتاب‌گرایان، روزنامه بوگون، تاریخ نشر: ۱۸ سپتامبر ۲۰۱۲ (۲۸ شهریور ۱۳۹۱)<sup>۶۰</sup>

مقاله از روزنامه بوگون انتخاب شده است که یکی از روزنامه‌های معروف ترکیه و دارای گرایش محافظه‌کار است. این مقاله در مورد استان عرب‌زبان ترکیه به نام «حاتای»<sup>۶۱</sup> در مرز سوریه است که مورد مناقشه تاریخی ترکیه و سوریه بوده است و مقاله ادعا می‌کند که با مسئله سوریه، ایران، سوریه، حزب آزادی‌بخش خلق ترکیه و حزب کارگران ترکیه علیه ترکیه در این استان فعالیت می‌کنند. تیتراژ این مقاله با عنوان «دسیسه حاتای، ایران و گروه شتاب‌گرایان» پیش‌فرض می‌گیرد که دسیسه‌ای در حاتای اتفاق می‌افتد و ایران و گروه شتاب‌گرایان ترکیه در این دسیسه نقش دارند.

ساختار موضوعی کل متن و زنجیره‌ای از رویدادها نشان می‌دهد که هدف نویسنده مقاله، ارائه فضایی برای خوانندگان است که در آن، ایران، سوریه و احزاب معارض ترکیه در استان حاتای علیه ترکیه همکاری می‌کنند و ایران نقش اصلی را در این زمینه ایفا می‌کند. به همین شکل، نویسنده مقاله، فرضیه‌ای را مطرح کرده است که خوانندگان هدف، اطلاعاتی درباره آنچه در منطقه اتفاق افتاده دارند و از آن‌ها آگاه‌اند و بر همین اساس، به راحتی ادامه می‌دهد تا تلاش‌های دولت ایران، سوریه و احزاب معارض ترکیه علیه ترکیه در استان حاتای و درعین حال سوریه را گزارش کند. بدون هر نوع تلاش منطقی برای ارائه یک تصویر کامل از اختلاف و جزئیات (ماهیت اختلاف، مشارکت‌کنندگان و دلایل احتمالی) در منطقه، نویسنده انتظار دارد خوانندگان موضوعات امنیتی در منطقه را به خوبی درک کنند تا به عنوان قسمتی از اطلاعات و دانش سیاسی و امنیتی منطقه‌ای و ملی را پوشش دهد.

یکی از راهبردهای پیش‌فرض، استفاده از واژگان و عبارات خاص است که همیشه در تحلیل متنی یا گفتمانی اولین مرحله تحلیل است. واژه‌ها در اصل بازنمایی قضاوت‌های ارزشی و واجد معنای ضمنی، علاوه بر معنای اصلی خود هستند. اگر نگاهی به اصطلاحات زبان‌شناختی (عبارات و واژگان‌های خاص) مقاله برحسب تلاش پردازش افزایشی خوانندگان بیندازیم، متن این مقاله حاوی مقوله‌های کلی و عمومی، دارای

ارجاعاتی است که خوانندگان نیاز به زمان و تلاش بیشتری برای پردازش آن دارند و ممکن است در دانش و ذهن آن‌ها نباشد. استفاده از عبارت «حزب کارگران کردستان» و یا استفاده از عبارات مبهم «اردوگاه واقع در ایران»، «ژئوپولیتیک شیعی»، «کشتی مرمره آبی»، «قتل عام حما»، «مشکلات عاجل انقلاب ترکیه»، «فراکسیون‌های چپ‌گرای ترکیه»، «حزب کمونیست آناتولی ترکیه»، «یاووز» و «عبدالحمید دوم» عبارت‌های کلی‌تری هستند و دربرگیرنده تلاش‌های پردازشی بیشتری هستند و نویسنده به‌طور آگاهانه یا ناآگاهانه اطلاعات تاریخی، سیاسی و منطقه‌ای را پیش‌فرض گرفته است.

ایران را بزرگ‌ترین خطر برای ترکیه در نظر گرفتن و تشبیه عمل و فعالیت‌های ایران به سازمان‌های تروریستی همانند اسرائیل، پیش‌فرض ایدئولوژیکی دیگری هست که نویسنده با استفاده از آرایه تشبیه و صفت عالی سعی کرده از نقش ایران در بحران سوریه و مسئله حاتای تصویرسازی کند:

- ایران در کشتن انسان‌های معصوم، همانند سازمان‌های تروریستی عمل می‌کند.
- همانند اسرائیل که به فلسطینی‌ها ظلم می‌کند، ایران در سوریه ظلم می‌کند.
- ایران و اسرائیل دو روی یک سکه هستند.
- همان‌گونه که مرگ انسان‌های معصوم، اعم از کودک و زن برای سازمان‌های تروریستی اهمیتی ندارد، برای ایران نیز این قبیل موارد بی‌اهمیت است.
- امروز بزرگ‌ترین خطر برای ترکیه، کشورهای اسرائیل، سوریه و عراق نیستند بلکه ایران است.

در زیر نیز به برخی از ابزارهای پیش‌فرض‌ها اشاره می‌شود که نویسنده در این متن درباره بحران سوریه استفاده کرده است:

#### **اول. گزاره‌های احساسی**

- تعجب‌آور اینکه بنگاه خبرپراکنی بریتانیا موسوم به B.B.C تمام کارایی‌اش را به کار برد.
- یک تروریست دستگیرشده وابسته به حزب کارگران کردستان به نیروهای امنیتی ترکیه، اعتراف کرده است.

## دوم. افعال قضاوت

- به میزانی که در جنایت «کشتی مرمره آبی» اسرائیل را با لعنت محکوم کردیم، ایران را که از حافظ اسد در قتل عام «حما» حمایت کرد محکوم می‌کنیم.

## سوم. تغییر گزاره‌های حالت

- صداهای پای اغتشاش (در حاتای) به گوش می‌رسد.

در متن این مقاله دو گفتمان رقیب با محوریت استان حاتای مشاهده می‌شود: گفتمان متحدان دولت سوریه که ایران، جزئی از آن محسوب می‌شود و گفتمان ترکیه و معارضان دولت سوریه که ترکیه، جزئی از آن به شمار می‌رود. نویسنده با استفاده از راهبرد نام‌گذاری (نام دهی) و نسبت دادن ویژگی‌های منفی و مثبت، تمایز گفتمانی را مشخص کرده است. بر این اساس، تمامی صفات و نام‌گذاری‌های منفی را به گفتمان ایران، احزاب معارض ترکیه و سوریه نسبت داده و به‌طور تلویحی صفات و نام‌گذاری خوب را به کشور ترکیه نسبت داده است؛ به‌طوری که بیشتر به بیان صفات منفی گفتمان ضد ترکیه پرداخته است و از بیان مستقیم صفات مثبت به گفتمان دولت ترکیه خودداری کرده است. وندایک به چنین مشخصه‌ای، معرفی مثبت خود<sup>۶۲</sup> و معرفی منفی دیگری<sup>۶۳</sup> می‌گوید. در زیر به برخی صفات و نام‌گذاری منفی و نسبت دادن ویژگی‌های منفی به گفتمان ایران، احزاب معارض ترکیه و سوریه اشاره می‌شود:

- دسیسه حاتای، ایران و گروه شتاب‌گرایان.
- ایران جهت تداوم تأثیر ژئوپولیتیک شیعی‌اش، با سازمان‌های تروریستی هم‌سوئی می‌کند.
- عامل‌های ایرانی.
- بی‌اهمیت بودن مرگ انسان‌های معصوم اعم از کودک و زن برای ایران.
- محکومیت ایران به دلیل حمایت از حافظ اسد در قتل عام «حما».
- ظلم حزب کارگران کردستان علیه مردم سوریه و شریک جرم بشار اسد.
- حاتای مرکز صدور بحران شیعی-سنی.
- آنان برای تاوان دهی تلخ ترکیه، گسترش هرج و مرج در حاتای و ظهور تأثیرات مدنظرشان را خواستارند.

- فعالیت علنی و در ابعاد وسیع‌تر و خطرناک‌تر در حاتای از سوی گروه شتاب‌گرایان با حمایت ایران و سوریه.
- فعالیت‌های ضد جاسوسی ایران.
- مورد اعتماد نبودن ایران در ادوار تاریخی نزد دولت عالیه (ترکیه).
- نویسنده مقاله، موضع‌گیری خودش را نسبت به نقش ایران، سوریه و احزاب معارض ترکیه در دسیسه حاتای و عواقب آن نشان داده است و در نهایت، اهمیت خطیر راهبردی ترکیه و نیز عقل‌دیپلماسی دولت ترکیه در این زمینه و لزوم پیگیری تمامی فعالیت‌های زمینه‌چینی دسیسه در حاتای را برای ترکیه پیشنهاد می‌کند. نگرش و قضاوت نویسنده در متن مقاله با استفاده از راهبرد وجهیت (قیود و افعال وجهی) در مقاله صورت گرفته است. در زیر به برخی از آن‌ها در متن اشاره می‌شود:
- حزب کارگران کردستان که در ظلم علیه مردم سوریه شریک جرم بشار اسد است را نیز به همان میزان باید محکوم نماییم («باید» اهمیت وقوع امر فوق را برای ترکیه از نظر نویسنده بیان می‌کند).
- حزب آزادی‌بخش خلق ترکیه و حزب کارگران ترکیه همواره مورد حمایت رژیم بعثی سوریه بودند (نویسنده با استفاده از قید «همواره» حمایت همیشگی دولت سوریه از احزاب معارض ترکیه را بیان کرده است).
- مسلماً حادثه بد، از قبل خبر نمی‌دهد، اما صداهای پای اغتشاش به گوش می‌رسد (قید «مسلماً» تأکید و تصدیق نویسنده بر اغتشاش در ترکیه از سوی ایران و احزاب معارض ترکیه است).
- در مورد «حاتای» باید به‌طور جدی مراقب اعمال و رفتار ایران باشیم و فعالیت‌های ضد جاسوسی ایران مورد پیگرد سازمان امنیت ترکیه - میت - باید خنثی گردد («باید» اهمیت وقوع امر فوق را از نظر نویسنده برای ترکیه بیان می‌کند).
- ایران در ادوار تاریخی هیچ‌گاه نزد دولت عالیه مورد اعتماد نبود، لذا دسایسش با روش معتبر و مناسب آن عصر، یعنی با پنجه قهریه «یاووز» برطرف گردید (نویسنده با استفاده از قید نفی «هیچ‌گاه» غیرقابل اعتماد بودن همیشگی ایران برای ترکیه را بیان کرده است).

- لذا لازم است، در ارزیابی وضعیت آتی منطقه، از اهمیت خطیر راهبردی ترکیه و نیز عقل دیپلماسی دولت، به نحو مناسب، بهره‌برداری گردد («لازم بودن» ضرورت انجام عمل ذکر شده در گزاره را نشان می‌دهد).

- حتی اگر (دیپلماسی کنونی ترکیه) به اندازه عبدالحمید دوم نیز نباشد («حتی اگر» منعکس‌کننده قطعیت نویسنده در مورد گزاره بیان‌شده و امکان وقوع آن است). در این مقاله پیش‌فرض‌ها، برای دستیابی به اهداف ایدئولوژیکی استفاده شده است و این مسئله از بدیهی انگاشتن نقش ایران، سوریه و احزاب معارض ترکیه علیه ترکیه و به‌ویژه استان حاتای استنباط می‌شود و منحصرأً معیارهایی را در این زمینه ذکر کرده است که از سوی ترکیه و کشورهای معارض سوریه و رسانه‌های آن مطرح می‌شود. هرچند ترکیه به دلیل زمینه‌های فرهنگی و تاریخی با سوریه در زمینه استان حاتای اختلافاتی دارد اما نویسنده از ذکر مداخله نظامی ترکیه علیه حاکمیت سوریه و به‌ویژه استان حاتای و حمایت از معارضان سوری در ترکیه چیزی ذکر نکرده است.

#### مقاله دوم

سدات لاجینر، آیا سوریه و ایران را فریب دادیم؟ روزنامه استار، تاریخ نشر: ۱۶ اوت ۲۰۱۲ (۲۶ مرداد ۱۳۹۱)<sup>۶۴</sup>

مقاله از روزنامه ترکیه‌ای استار انتخاب شده است که یکی از قدیمی‌ترین و معروف‌ترین روزنامه‌های ترکیه بوده و دارای مقاله‌های متعدد پیرامون کشورهای همسایه به‌ویژه سوریه است. روزنامه استار، روزنامه جمهوری‌خواه که پیشرفت، آزادی و دموکراسی در ترکیه را سرلوحه رفتار و فعالیت‌های خود قرار داده است. چگونه این روزنامه با مقاله خویش، موضوعات مربوط به بحران سوریه را بازنمایی کرده است؟ مقاله مربوط به روابط و مناسبات ترکیه با سوریه و ایران طی سال‌های گذشته است. در عنوان این مقاله، یکی از ابزارهای زبان‌شناختی رایج پیش‌فرض - استفاده از جملات و عبارات پرسشی - استفاده شده است و نویسنده پیش‌فرض گرفته است که در مناسبات ترکیه با ایران و سوریه، ترکیه آن‌ها را فریب نداده بلکه شیوه برداشت ایران و سوریه از ترکیه اشتباه بوده است. در حقیقت، عنوان مقاله، نگاه‌های انتقادی نسبت به تغییر موضع



ترکیه نسبت به سوریه و ایران را به چالش کشیده است. بررسی کل مقاله نشان داد که نویسندگان و گویندگان به‌طور معمول برخی اطلاعات را پیش‌فرض می‌گیرند که مخاطب و شنوندگانشان آن‌ها را قبلاً می‌دانند و بنابراین توجه و یا تعهدی به خودشان در اظهار و یا حمایت آن‌ها نمی‌دهند. اگر نگاهی به اصطلاحات زبان‌شناختی (عبارات و واژگان‌ها) مقاله برحسب تلاش پردازش افزایشی خوانندگان بیندازیم، متن این مقاله حاوی مقوله‌های کلی و عمومی، دارای ارجاعاتی نیست که خوانندگان نیاز به زمان و تلاش بیشتری برای پردازش آن بگذرانند اما وقتی به‌طور دقیق کلیات متن را در نظر می‌گیریم، مقاله از هدفش فراتر رفته و در رابطه با ایران و سوریه و ارتباط ترکیه با آن‌ها، اظهار نظرات مختلف و پیش‌فرض‌های ایدئولوژیکی کرده است که در زیر به آن‌ها اشاره می‌شود:

#### **اول. تغییر گزاره‌های حالت**

- روابط و مناسبات با سوریه و ایران، طی دوره یک‌ساله اخیر زیرورو شد.
- اگر تحلیل روابط ترکیه با سوریه را آغاز کنیم.
- به این دیکتاتوری چه زمانی خاتمه خواهید داد؟
- بدون آمادگی قبلی، دچار عوارض بهار عربی گردید.
- ترکیه بدین طریق خواهان آن است که به فرهنگ درگیری بین ملل مسلمان خاتمه دهد.

#### **دوم. افعال قضاوت**

- مسئولین در تهران و نیز در شام (دمشق) در قبال این تغییر رویه‌ها، ترکیه را به تغییر رفتار متهم می‌سازند.
- البته برخی‌ها نیز عدم قاطعیت سیاست خارجی جدید ترکیه را مورد بحث و انتقاد قرار دادند.

#### **سوم. اسنادسازی**

ذکر این نکته نیز ضروری است که ترکیه طی آن سال‌ها، به سوریه قول نداده بود که رژیم اسد را تأیید نماید.

### چهارم. گزاره‌های احساسی

حکومت فعلی ترکیه در رفتار با ایران به قدری صبورانه و با شفقت برخورد نمود که حتی مرا به حیرت انداخت.

### پنجم. پیش‌فرض تکریری

ایران و سوریه این شانس و فرصت را خوب ارزیابی و بهره‌برداری نکردند و دوباره به اول راه برگشتیم.

### ششم. استفاده از فعل ذهنی نقل قول غیرمستقیم تغییر یافته

ترکیه معتقد بود که جذب و همکاری با ایران در منطقه، مسئله‌ای فراتر و مهم‌تر از موضوع توانمندی هسته‌ای ایران است.

### هفتم. افعال حقیقی

- مسلماً نوادگان عثمانی، این را در جهان بهتر از همه درمی‌یابند.
- در ملاقات و مذاکره با آنان دریافتیم که نظرات آنان با من تفاوت چندانی ندارد.
- آن‌گونه که برخی‌ها می‌پندارند، مسئولین حکومت فعلی، در قبال مواضع ایران و سوریه برخوردی ساده‌لوحانه نداشته و ندارند.
- برخی از مسئولین سوریه مجبور به اذعان گردیدند که ...
- همان موقع گفتم و این کنیز اعلام می‌دارم که نظام ایران ارزش‌پذیرش این خطرات را ندارد.

### هشتم. عبارات زمانی و واقعیت‌گزینی (خلاف واقع)

تا زمانی که نیروهای نظامی اسد، شهر و مردم را با آتش توپخانه مورد تعرض قرار نداده بودند و هواپیماها و تانک‌ها به قتل‌عام مردم نپرداخته بودند، آنکارا صبورانه منتظر انجام اصلاحات در سوریه بود، اما پس از آنکه نیروهای نظامی سوریه به مردم غیرمسلح حمله و یورش کردند، دیگر فرصت‌دهی به رژیم اسد، امکان‌پذیر نبود.

### نهم. پیش‌فرض‌های سؤالی (جملات و عبارات پرسشی):

- روزنامه‌نگار ترکیه در مصاحبه با بشار اسد صراحتاً از وی می‌پرسد: «به این دیکتاتوری چه زمانی خاتمه خواهید داد؟»

- آیا سوریه و ایران را فریب دادیم؟

### دهم. عبارات قیدی

- فعالیت‌های هسته‌ای ایران، همواره ترکیه حامی ایران گردید.
- متأسفانه ایران و سوریه این شانس و فرصت را خوب ارزیابی و بهره‌برداری نکردند.
- حتی مرا به حیرت انداخت در منازعات ایران با غرب، به‌ویژه در ارتباط با فعالیت‌های هسته‌ای ایران، همواره ترکیه حامی ایران گردید.
- ... علی‌رغم همه وقایع، نمی‌توان گفت که ترکیه به تغییر طرف‌هایش مبادرت کرده و در سیاست خارجی خود با ایران و سوریه، انحرافی ۱۸۰ درجه‌ای داشته است.
- نویسنده در این مقاله برخی اطلاعات را پیش‌فرض ایدئولوژیکی کرده است، به‌طوری که اصلی‌ترین عامل عدم حمله ارتش آمریکا بعد از جنگ عراق به سوریه را، حمایت ترکیه از اسد در نظر گرفته است؛ در صورتی که حمایت‌های ایران و حزب‌الله از سوریه و نیز گرفتاری آمریکا در عراق عواملی بودند که نویسنده ترکیه آن را نادیده گرفته است. همچنین نویسنده پیش‌فرض گرفته که رژیم اسد مستبد و خودکامه است، هرچند رژیم اسد ساختارهای دموکراتیک چندانی نداشته است، اما در مقایسه با رژیم‌های دیگر، دوست و متحد ترکیه مثل عربستان، قطر و بحرین، دموکراتیک و آزاد است.
- نویسنده، رژیم اسد را عامل اصلی کشتار مردم سوریه دانسته است؛ اما از ذکر معارضان سوری، تروریست‌ها، القاعده و نیروهای کشورهای غربی و عربی در کشتار مردم غیرمسلح و ایجاد بحران در سوریه خودداری کرده است. نویسنده بیان کرده است که ایران در مورد مسئله هسته‌ای خویش صداقت نداشته است و ترکیه نباید از ایرانی که صداقت ندارد، حمایت‌های همه‌جانبه کند؛ در صورتی که ایران در برنامه هسته‌ای خویش شفاف عمل کرده و زیر نظر بازرسان بین‌المللی فعالیت‌هایش را دنبال می‌کند و تاکنون همه گزارش‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بر صداقت و عدم انحراف برنامه هسته‌ای تأکید کرده‌اند؛ ثانیاً بارها مسئولان ترکیه بر ارتباط گسترده با ایران تأکید کرده و آن را برای ترکیه مهم دانسته‌اند.

در این مقاله پیش‌فرض‌ها برای دستیابی به اهداف ایدئولوژیکی استفاده شده است و این مسئله از بدیهی انگاشتن نقش مثبت ترکیه در ارتباط با سوریه و ایران استنباط می‌شود و منحصراً معیارهایی را در این زمینه ذکر کرده است که از سوی ترکیه و رسانه‌های طرفدار آن در منطقه مطرح می‌شود. همچنین نویسنده مقاله، به موضع‌گیری خودش نسبت به رابطه ترکیه با ایران و سوریه پرداخته و بیان می‌کند که ترکیه در صد دفاع از این دو کشور بوده و ایران و سوریه بودند که مواضع خود را تغییر داده‌اند و قدر فرصت‌طلبی انجام اصلاحات و صلح در منطقه را از دست دادند. پس اگر نگاه ترکیه به این دو کشور عوض شده است، ناشی از تغییر مواضع آن‌ها بوده است نه ترکیه.

نگرش و قضاوت نویسنده در متن مقاله با استفاده از راهبرد وجهیت (قیود و افعال وجهی) در مقاله صورت گرفته است. در زیر به برخی از آن‌ها در متن اشاره می‌شود:

- اما در خصوص ایران، باید گفت که حکومت فعلی ترکیه در رفتار با ایران به قدری صبورانه و با شفقت برخورد نمود («باید» اهمیت وقوع امر فوق از نظر نویسنده را بیان می‌کند).
- مسلماً نوادگان عثمانی، این را در جهان بهتر از همه درمی‌یابند که ایران، نقش پلیس خوب-بد را به چه مهارتی بازی می‌کند (قید «مسلماً» تأکید و تصدیق نویسنده بر فهم ترکیه درباره نقش ایران است).
- علی‌رغم همه وقایع، نمی‌توان گفت که ترکیه به تغییر طرف‌هایش مبادرت کرده است («نمی‌تواند» امکان عدم وقوع عمل فوق را برای ترکیه بیان می‌کند).
- مواردی غیرمنتظرانه نباید برای ترکیه پیش می‌آید («نباید» اهمیت عدم وقوع امر فوق را برای ترکیه از نظر نویسنده بیان می‌کند).
- ضرورت داشت که جوانب احتیاط رعایت و اعمال گردد («ضرورت داشتن» ضرورت انجام عمل ذکرشده در گزاره را نشان می‌دهد).

بنابراین در مقاله این روزنامه، پیش‌فرض، در خدمت اهداف ایدئولوژیکی بوده است و نویسنده موضع‌گیری خویش را نسبت به رابطه ترکیه با ایران و سوریه در متن نشان داده است.

### مقاله ۳

محمود عثمان اوغلو، الزامات حمایت ایران از سوریه، روزنامه ینی شفق، تاریخ نشر: ۱۴ اوت ۲۰۱۲ (۲۴ مرداد ۱۳۹۱)<sup>۶۵</sup>

مقاله سوم از روزنامه ینی شفق انتخاب شده است. این روزنامه با دیدگاه روشنفکری بسیاری از نویسندگان سرشناس اسلامی را در خود جمع کرده است. نگاه به‌عنوان این مقاله مشخص می‌کند که نویسنده برخی اطلاعات دانش سیاسی را پیش‌فرض گرفته است؛ رژیم ایران از سوریه حمایت می‌کند. این نکته دوباره در پاراگراف آغازین مقاله و نیز در پاراگراف‌های بعدی شکل گرفته است. نویسنده پیش‌فرض می‌گیرد که نیروهای پشت پرده در بدتر شدن اوضاع سوریه نقش دارند و روسیه، چین و ایران جزو نیروهای پشت پرده بدتر شدن بحران سوریه هستند، اما نویسنده بیان کرده است که یکی از نیروهای اصلی پشت پرده، ایران است. نویسنده در این متن به دو گفتمان اشاره می‌کند، یکی گفتمان محور مقاومت و دیگری ضد محور مقاومت است و نویسنده پیش‌فرض می‌گیرد که ایران به کشتارهایی که از سوی سوریه صورت می‌گیرد توجهی نمی‌کند و با حمایت بی‌قیدوشرط از سوریه از محور مقاومت دفاع می‌کند، تا جنگ را از سرزمین خود دور کند. در حقیقت، حمایت ایران از سوریه حمایت از خود هست نه از سوریه.

بینامتنیت<sup>۶۶</sup>، یکی از ابزارهای زبان‌شناختی است که از سوی تحلیل‌گران گفتمان انتقادی به کار گرفته می‌شود (فرکلاف، ۱۹۹۲)، که در اینجا می‌توان برای توضیح، استفاده نویسنده از عبارت «محور مقاومت»<sup>۶۷</sup> در مقاله خویش به کاربرد بینامتنیت به استفاده از تنوعی از متون فرعی یا متون قبلی در یک متن با تأیید یا عدم تأیید منبع اشاره می‌کند. در حقیقت، بینامتنیت استفاده آگاهانه یا ناآگاهانه از مطالب متون قبلاً خلق‌شده، در متن جدید است. فرکلاف دو نوع بینامتنیت را از هم متمایز می‌کند: بینامتنیت صریح و بینامتنیت سازنده. بینامتنیت صریح دلالت دارد بر به‌کارگیری متون دیگر در یک متن، به‌صورت مستقیم که در این حالت با علائم نقل‌قول و یا چیزی شبیه آن مشخص می‌شود؛ ولی بینامتنیت سازنده با به‌کارگیری عناصری از یک نظم گفتمانی دیگر، در یک متن مربوط است. از این‌رو، نویسنده این متون خبری با استفاده از

بینامتنیت صریح از متونی استفاده کرده است که متعلق به مسئولین جمهوری اسلامی در زمان‌های مختلف است و پیش‌فرض می‌گیرد که خوانندگان این متن دیدگاه یکسانی دارند. البته ممکن است این متون خوانندگانی را جلب کند که هیچ شناختی از محور مقاومت یا از شخصیت‌های مختلف سیاسی دولت ایران ندارند که در این باره گفتگو و اظهار نظر کرده‌اند. در زیر به نمونه‌ای از این متون اشاره می‌شود:

- هفته گذشته سید صادق خرازی، یکی از مسئولین بلندپایه دولت دوران خاتمی، رئیس‌جمهور سابق ایران، طی مصاحبه با روزنامه‌ای ابراز داشت: «ما، در منطقه مسئله بسیار مهم‌تری از حفظ حکومت بشار اسد داریم و آن حفظ محور مقاومت است.» وی ضمن انتقاد از عملکرد حکومت فعلی گفت: «می‌توانستیم از آغاز مشکل، به‌صورت پل تفاهم بین دولت سوریه با مخالفین، نقشی مثبت‌تر، ایفاء کنیم. باید اجازه می‌دادیم که حوادث به این وضع درآید. باید مشکل مذکور را با میانجی‌گری رفع و هدایت می‌کردیم.»

- سعید جلیلی، دبیر کل شورای عالی امنیت ملی ایران، طی ملاقات هفته گذشته با بشار اسد، ضمن تأکیدی آشکار بر دفاع از جبهه مقاومت، گفت: «اجازه نمی‌دهیم، محور مقاومت فروریزد.»

- در ایران، برخی‌ها مانند محسن رفیق‌دوست، رئیس سابق سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران در ارتباط با علل حمایت ایران از رژیم اسد چین توضیح دادند که: «حمایت از رژیم سوریه، حمایت از آزادی، عقیده، منطق و در مقابله با جبهه مستکبرین است.»

در این مقاله، نویسنده با استفاده از ابزارهای زبان‌شناختی رایج در پیش‌فرض، موضع‌گیری خودش را نسبت به این موضوع نشان داده است:

#### **اول. تغییر گزاره‌های حالت**

- با آغاز بحرانی‌تر شدن اوضاع در سوریه، نیروهای پشت پرده، آهسته‌آهسته، برملا می‌گردند.

- حمایت‌های ایران از رژیم بشار اسد، حتی به بهای مخالفت با اصول بنیادی ج.ا. ایران، ادامه دارد.

### دوم. قیود و افعال وجهی

برای درک موضع‌گیری ایران، ضرورت دارد چگونگی و نحوه نگرش از درون ایران، موردبررسی و تحلیل قرار گیرد («ضرورت داشتن» ضرورت انجام عمل ذکرشده در گزاره را نشان می‌دهد).

### سوم. عبارات زمانی و واقعیت‌گزینی

حتی اگر جنگ به خاک‌های ایران نیز کشانده شود، برگ‌های برنده قوی در دست داشته باشد.

### چهارم. اسنادسازی

لازم به ذکر است که پس از پایان اشغال عراق توسط امریکا، حکومت عراق نیز به جبهه مذکور پیوسته است.

### پنجم. عبارات ربطی و قیدی

- با وجود آنکه کشورهای روسیه و چین نیز در این قضایا نقش و دخالت دارند، اما حمایت‌های ایران از رژیم بشار اسد، حتی به بهای مخالفت با اصول بنیادی ج.ا. ایران، ادامه دارد.

- حمایت بی‌قیدوشرط ایران از رژیم اسد، علی‌رغم همه کشتارهای این رژیم، از منظر بیرونی -خارجی- قابل‌فهم و درک نیست.

## مقاله ۴

آردان زنتوک، هشدار جدی به ایران و پوتین، روزنامه استار، تاریخ نشر: تاریخ نشر: ۲۸ ژوئن ۲۰۱۲ (۸ تیر ۱۳۹۱)<sup>۲۸</sup>

این مقاله نیز از روزنامه ترکیه‌ای استار انتخاب شده است که دارای مقاله‌های متعدد پیرامون بحران سوریه است. از همان ابتدا و در عنوان خود و قسمت آغازین پاراگراف اول، این مقاله موضوع را از زوایای مختلف موردبحث و بررسی قرار می‌دهد؛ چه چیزی در منطقه اتفاق افتاده است که مقاله به ایران و پوتین هشدار می‌دهد و یا به‌عبارت‌دیگر، ایران و پوتین چه اقداماتی کرده‌اند که مقاله هشدار جدی را مطرح کرده است. اگر به‌عنوان، نگاه دقیقی بیندازیم، یک پیش‌فرض زبان‌شناختی و معناشناختی را متوجه می‌شویم؛ یعنی استفاده از واژه «هشدار جدی» به‌عنوان مسئله‌ای

در عنوان، پیش فرض می‌گیرد که خوانندگان قبلاً دربارهٔ اتفاقی که در منطقه اتفاق افتاده است و یا ایران و روسیه انجام داده‌اند اطلاع کامل دارند. در متن مقاله نیز، برخی اطلاعات پیش فرض شده زبان‌شناختی را مشاهده می‌کنیم. همهٔ اطلاعات و دانش پیش فرض شده به لحاظ زبان‌شناختی پیش‌انگاشته شده‌اند؛ هرچند عنوان، به لحاظ زبان‌شناختی، دانش قبلی را پیش فرض می‌گیرد که اختلافات و درگیری‌هایی در منطقه اتفاق افتاده است و در ادامه به خواننده دربارهٔ نحوهٔ رویارویی رقبا و نتایج جنگ اطلاعاتی می‌دهد و ادعا می‌کند که بشار اسد رفتنی است. پاراگراف‌های مختلف این مقاله این ایده را توسعه می‌دهند. این مقاله به خواننده اطلاعات زمینه‌ای کافی را نمی‌دهد و عامل قتل‌عام را دولت سوریه در نظر می‌گیرد نه معارضان سوری.

از نظر کاربردشناسی، نویسنده اطلاعات اصلی را پیش فرض می‌گیرد؛ آنچه در منطقه و سوریه اتفاق افتاده است و عوامل اصلی قتل‌عام سوریه و کشورهای که در این قتل‌عام نقش دارند. بر همین اساس، در این مقاله پیام ایدئولوژیکی از طریق پیش فرض را مشاهده می‌کنیم؛ زیرا اطلاعات این مقاله نشانگر موضع ایدئولوژیکی نویسنده و پیام روزنامه دربارهٔ وقایع سوریه است. اگر نگاهی به اصطلاحات زبان‌شناختی (عبارات و واژگان‌ها) بیندازیم، متن این مقاله حاوی واژگان‌ها و اصطلاحات با بار معنایی منفی و اطلاق آن به ایران و در عین حال روسیه است. استفاده از یک نام ترجیحی و نحوهٔ نام‌گذاری شخص و یا گروه در هر متن بر نحوهٔ نگرش جامعه دربارهٔ آن تأثیر می‌گذارد و این، یکی از ابزارهای پیش فرض است که به خوبی در این مقاله از آن استفاده شده است، مثل «حمایت از قتل‌عام‌های سوریه»، «بی‌تفاوتی به قتل‌عام‌های سوریه»، «حمایت ایران از قتل‌عام مسلمانان در سوریه»، «یاور یک قتل‌عام‌گر» و «ایران به‌مثابه یک بازیگر معمولی و دست‌نشانده در صحنهٔ شطرنج سیاسی جهانی». در زیر به برخی از ابزارهای پیش فرض اشاره می‌شود که نویسنده در این متن استفاده کرده است:

#### *اول. افعال حقیقی*

- ایران که قتل‌عام مسلمانان در سوریه را مورد حمایت قرار می‌دهد، با سخنی از حضرت علی، پیام را دریافت کرد.
- گروهی از نویسندگان و آکادمیسین‌ها، هنوز بر این باورند که جنگ سرد تداوم دارد!



- اینک مسکو بهتر از همه به پایان جنگ سرد در آسیای غربی و معادله قدرت در خاورمیانه، آگاه است.
- حاکمان ایران باید دریابند که در صحنه شطرنج سیاسی جهانی، به‌مثابه یک بازیگر معمولی و دست‌نشانده هستند.
- «ترکیه در ناتو تنها خواهد ماند.» برایم قابل‌توجه و جالب است که پس از اعلام مواضع ناتو، بدانم اینک چگونه می‌اندیشند!
- ناتو بر این آگاه است که در صورت رویارویی مستقیم سوریه - ترکیه، آنکارا احتیاجی به کمک ناتو ندارد.

#### دوم. تغییر گزاره‌های حالت

- حدود بیست سال است اتحاد جماهیر شوروی از صحنه تاریخ کنار کشیده است.
- گروهی از نویسندگان و آکادمیسین‌ها، هنوز بر این باورند که جنگ سرد تداوم دارد!
- اما روسیه فعلی، دولتی با ساختاری ملی است که سعی دارد در راستای منافع ملی‌اش حرکت کند.
- البته روسیه در موضع‌گیری «پارو زدن برخلاف جهت آب» چیزهای زیادی برای از دست دادن، دارد.
- مسکو وابستگی‌اش چون صدام حسین، حافظ اسد، معمر قذافی را از دست داد و آخرین بازمانده، بشار اسد، نیز می‌رود و رفتنی است.
- روسیه در تلاش است تا از طریق اسرائیل، به مفقودینش در جهان عرب دست یابد.

#### سوم. گزاره‌های احساسی

- «ترکیه در ناتو تنها خواهد ماند.» و قابل توجه و جالب است که پس از اعلام مواضع ناتو، اینک ترکیه چگونه می‌اندیشند!
- همچنین این مقاله با استفاده از آرایه «تلمیح» و نقل قول سخنان رجب طیب اردوغان در گروه مجلسی حزب عدالت و توسعه با اشاره به حدیثی از حضرت علی (ع) مبنی بر «کسی که در برابر ناحقی سکوت کند، شیطانی بی‌زبان است (عالم بی‌عمل با شیطان برابر است)»، از زبان نخست‌وزیر سنی، نقدی بر عملکرد یک دولت شیعی مثل ایران در قبال بحران سوریه است. ادامه مقاله نشان از تمایز گفتمانی است، بین آن‌هایی که از سوریه

حمایت می‌کنند و کسانی که در برابر این اتفاقات سوریه می‌ایستند. یکی از موضع‌گیری‌های ایدئولوژیکی نویسنده به نزاع گفتمانی شیعه و سنی در منطقه و به‌ویژه بحران سوریه برمی‌گردد و حمایت ایران از سوریه را در راستای شیعه‌گری ایران در نظر می‌گیرد و اعتقادات شیعه را با عبارت «لازم است از روحانیون قم پرسید: یاور یک قتل‌عام‌گر، چه جایگاهی در اسلام دارد؟» زیر سؤال می‌برد. به‌طور کلی، پیام اصلی این مقاله این است که بشار اسد رفتنی است و ترکیه باید وارد جنگ با سوریه شود و در مقابل مداخله ایران و روسیه، ناتو جلو این دو کشور را خواهد گرفت و این پیام جدی به آن‌هاست. نویسنده موضع‌گیری خویش را نسبت به ایران، سوریه و درعین حال روسیه در متن نشان داده است لذا در مقاله این روزنامه، پیش‌فرض در خدمت اهداف ایدئولوژیکی بوده است. در زیر به برخی از نگرش و قضاوت نویسنده که در متن مقاله با استفاده از راهبرد وجهیت (قیود و افعال وجهی) در مقاله صورت گرفته است، اشاره می‌شود:

- حمایت از بشار اسد برای حفظ قدرت چانه‌زنی دیپلماتیکش، می‌تواند یکی از این موارد باشد («می‌تواند» امکان وقوع عمل فوق را بیان می‌کند).
- لازم است از روحانیون قم پرسید: یاور یک قتل‌عام‌گر، چه جایگاهی در اسلام دارد («لازم بودن» ضرورت انجام عمل ذکرشده در گزاره را نشان می‌دهد).
- مسلماً روسیه می‌تواند در راستای منافع آتش‌اش، حرکت‌های معکوس (موسوم به حرکت U) را نیز انجام دهد (قید «مسلماً» تأکید و تصدیق نویسنده در مورد روسیه و «می‌تواند» امکان وقوع عمل فوق برای روسیه در بحران سوریه را بیان می‌کند).
- پوتین همواره در پی مانورهای غیرپیش‌بینی‌شده است که دیدار روز قبلی‌اش از اسرائیل، می‌تواند مهم‌ترین نمونه آن باشد («می‌تواند» امکان وقوع عمل فوق را بیان می‌کند).
- نگران نباشید، برنامه‌های هسته‌ای ایران تحت کنترل ماست و ایران هرگز صاحب سلاح اتمی نخواهد گردید (نویسنده با استفاده از قید «هرگز» نفی کامل را در مورد دست یافتن ایران به سلاح هسته‌ای بیان کرده است).

### جمع‌بندی

هدف این مقاله، تحلیل پیش‌فرض‌های گفتمان مطبوعات ترکیه و دلایل ایدئولوژیکی آن‌ها پیرامون بحران سوریه بود. با توجه به اهمیت پیش‌فرض در تأثیرگذاری بر افکار عمومی و ترویج دیدگاه خاص نسبت به یک موضوع یا رویداد، نویسندگان مقاله‌ها در روزنامه‌ها، ادعاهای پنهانی و غیرمستقیم را در درون عبارات‌های متون و در ساختارهای زبان‌شناختی خاص و زنجیره‌ای از رویدادها قرار می‌دهند. این تحلیل نشان داد که نویسندگان مقالات خبری برگزیده روزنامه‌های ترکیه، بنا به دلایل ایدئولوژیکی، دانش یکسانی درباره بحران سوریه و کنشگران منطقه‌ای و جهانی درگیر آن، پیش‌فرض می‌گیرند. همچنین، نویسندگان در ارائه پیش‌فرض‌ها، جهت اهداف ایدئولوژیکی‌شان، از ابزارها و شیوه‌های مختلف پیش‌فرض‌گفتمانی استفاده کرده بودند و این امر موجب ابهام متن شده و مفهومی بیش از آنچه به نظر می‌رسد، به متن معنا می‌بخشند که در نگاه کلی، قابل تشخیص نبودند. با در نظر گرفتن کلیت چهار مقاله برگزیده به‌عنوان یک متن و تحلیل آن‌ها مشخص شد که پیش‌فرض‌های آن‌ها بیانگر تمایز گفتمانی است و مؤلفه‌ها و عناصر آن، تصویرسازی بحران سوریه در مقاله‌های خبری روزنامه‌های ترکیه را تشکیل می‌دهد. به‌طور خلاصه، تمایز گفتمانی درباره مسئله سوریه و مؤلفه‌ها و عناصر این گفتمان در زیر آمده است:



شکل ۱. تمایز گفتمانی مقاله‌ها درباره بحران سوریه

### جدول ۱. مولفه‌ها و عناصر گفتمانی پیش‌فرض‌های مقاله‌ها

ایران شریک جرم اسد در کشتارهای سوریه	رژیم سوریه، دیکتاتور و قاتل مردم سوریه
ایران در بحران سوریه به‌طور آشکار و بی‌پروا در قبال ترکیه به نقش‌آفرینی می‌پردازد و با سوریه احزاب معارض ترکیه همکاری می‌کند.	اوضاع در سوریه بحرانی و بدتر می‌شود و کشورهای روسیه و چین و ایران در بدتر شدن اوضاع سوریه نقش دارند.
رژیم سوریه رفتنی است.	ایران نگران حاکم شدن رژیم مخالف با ایران در سوریه است.
اقدامات ایران در سوریه ناحق، غیرقابل فهم و حیرت‌آور است.	امروز بزرگ‌ترین خطر برای ترکیه ایران است و مثل ادوار گذشته نباید بدان اطمینان کرد.
ترکیه ضمن احتیاط باید به رویارویی مستقیم با سوریه برود و در مقابل مداخله ایران و روسیه، ناتو ترکیه را تنها نخواهد گذاشت.	ایران جهت تداوم تأثیر ژئوپولیتیک شیعی و حمایت از محور مقاومت و دوری کردن از جنگ در سرزمین خویش با سازمان‌های تروریستی و سوریه هم‌سویی می‌کند.

بنابراین پیش‌فرض‌ها دارای دلالت‌های تلویحی هستند و به‌عنوان یک راه‌برد زبانی و عنصر گفتمانی نقش مهمی در ایجاد و برساخت واقعیت و گفتمان‌ها دارند. در نهایت می‌توان گفت که هرچند این تحقیق، نحوه استفاده از پیش‌فرض و دلایل ایدئولوژیکی را در مقاله‌های منتخب روزنامه‌های ترکیه پیرامون بحران سوریه آشکار ساخت، اما تا حدی می‌تواند نگاه و نگرش گفتمان سیاسی جامعه ترکیه را نسبت به بحران سوریه نشان دهد.

#### یادداشت‌ها

1. Representation
2. Silverstone
3. Carruthers

4. Wolfsfeld
5. Hokayem
6. Taşpınar
7. Robertson
8. Van Dijk
9. Achugar
10. presupposition
11. Bekalu
12. Van Dijk
13. Fairclough
14. Garrett and Bell
15. Fowler
16. Trew
17. Hodge
18. Reah
19. Wodak and Meyer
20. Cognitive Discourse Analysis
21. presupposition
22. given
23. new
24. Yule
25. Richardson
26. Huckin
27. common sense
28. context
29. Sperber and Wilson
30. Grundy
31. Alcarza
32. Stalnaker
33. Lambrecht
34. semantic
35. Definite descriptions
36. iteratives
37. factives
38. emotive predicates
39. Interrogative presupposition
40. change of state predicates
41. begin(start), continue, stop, finish, leave, enter, come, go, arrive, take, play on, give up ...
42. implicatives

43. remember, forget, manage, happen, avoid, ...
44. judging
45. Clefting
46. Pseudoclefting
47. counterfactuals
48. Nominalization
49. possessive construction
50. negative and positive attributions
51. Adverbial and relative clauses
52. "Parenthetical" and "Prepositional" and "Given" clauses
53. pragmatic
54. truth value
55. Mautner
56. Theoretical or purposive sampling
57. Suriye
58. Critical news article
59. Likert scale
60. Gültekin AVCI, *Hatay tezgâhı, İran ve Acilciler*,  
<http://gundem.bugun.com.tr/hatay-tezgahi-iran-ve-acilciler-yazisi-205627>
61. Hatay
62. positive self- presentation
63. negative other- presentation
64. Sedat LAÇİNER, *Suriye ve İran'ı kandırdık mı?*  
[http://haber.stargazete.com/yazar/Suriye\\_ve\\_Irani\\_kandirdik\\_mi/yazi-665557](http://haber.stargazete.com/yazar/Suriye_ve_Irani_kandirdik_mi/yazi-665557)
65. MAHMUT OSMANOĞLU, *İran'ın Suriye desteği gerekçeleri*,  
<http://yenisafak.com.tr/yazarlar/MahmutOsmanoglu/iranin-suriye-destegi-gerekceleri/33599>
66. intertextuality
67. Direniş Ekseni'nin
68. Ardan Zentürk, *İran'a sert uyarı ve Putin...*,  
[http://haber.stargazete.com/yazar/Irana\\_sert\\_uyari\\_ve\\_Putin/yazi-622746](http://haber.stargazete.com/yazar/Irana_sert_uyari_ve_Putin/yazi-622746)

### کتابنامه

- مهدی‌زاده، سید محمد (۱۳۸۷)، *رسانه‌ها و بازنمایی*، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
- فلیک، اووه (۱۳۸۷)، *درآمدی بر تحقیق کیفی*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- بی، ارل (۱۳۸۱)، *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، ترجمه رضا فاضل، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۴) کندوکاوها و پنداشته‌ها: مقدمه‌ای بر روش‌های شناخت جامعه و تحقیقات اجتماعی، تهران: شرکت سهامی انتشار.

- Achugar, M. (2004), "The events and actors of 11 September 2001 as seen from Uruguay: Analysis of daily newspaper editorials", *Discourse & society*, 15(2-3), 291-320.
- Alcarza, E. (1999), Stylistics in the framework of pragmatics, In Fernando Toda Lglesia (ed.), *ATAS DEL XXI CONGRESO INTERNACIONAL DE A.E.D.A.N.* (pp. 35-54), Sevilla: dela Universidad de Sevilla.
- Bekalu, M. A. (2006), "Presupposition in news discourse", *Discourse & Society*, 17(2), 147-172.
- Carruthers, S. L. (2000), *The media at war: Communication and conflict in the twentieth century*, New York: St. Martin's Press.
- Fairclough, N. (2001), *Language and power*, Pearson Education.
- Fowler, R., Hodge, B., Kress, G. and Trew, T. (1979), *Language and Control*, London: Routledge & Kegan Paul.
- Garrett, P., & Bell, A. (1998), *Media and discourse: A critical overview, Approaches to media discourse*, Oxford: Blackwell.
- Grundy, P. (1995), *Doing Pragmatics*, London: Arnold.
- Hall, H.L. (2003), *Junior High Journalism*, New York: Rosen Classroom Publishing Company.
- Hall, S. (Ed.), (1997), *Representation: Cultural representations and signifying practices*, London: Sage.
- Hokayem, E. (2012), "Syria and its Neighbours", *Survival*, 54(2), 7-14.
- Huckin, T. (2002), Critical Discourse Analysis and the Discourse of Condescension. In
- Lambrecht, K. (1994), *Information Structure and Sentence Form*, Cambridge: Cambridge University press.

- Mautner, G. (2005), "Time to get wired: Using web-based corpora in critical discourse analysis", *Discourse & Society*, 16(6), 809-828.
- Norrick, N.R. (2001), "Discourse and Semantics", in Schiffrin D., Tannen, D., and Hamilton. H.E. (eds) *The Handbook of Discourse Analysis*, Oxford: Blackwell
- Poole, E. (2002), *Reporting Islam: Media representations of British Muslims*, London: I. B. Tauris.
- Reah, D. (2002), *The Language of Newspapers*, London and New York: Routledge.
- Richardson, J. E. (2007), *Analysing newspapers: An approach from critical discourse analysis* (p. 260), Basingstoke: Palgrave Macmillan.
- Robertson, A. (2013), "Connecting in Crisis "Old" and "New" Media and the Arab Spring", *The International Journal of Press/Politics*, 18(3), pp.325-341.
- Silverstone, R. (2007), *Media and Morality: On the Rise of the Mediapolis*, Cambridge: Polity.
- Sperber, D. and Wilson, D. (1995 [1986]), *Relevance: Communication & Cognition*, Oxford Blackwell
- Stalnaker, R.C. (2000), "Pragmatic Presupposition", in A. Kasher (ed.) *Pragmatics: Critical Concepts*, Vol. IV: Presupposition, Implicature and Indirect Speech Acts, London: Routledge.
- Taşpınar, Ö. (2012), "Turkey's Strategic Vision and Syria", *The Washington Quarterly*, 35(3), 127-140.
- Trew, T. (1979b), "What the Papers Say: Linguistic Variation and Ideological Difference", Fowler et al. (eds) *Language and Control*, London: Routledge & Kegan Paul.
- Van Dijk, T. (2004), "Critical Context Studies", plenary session at *International Conference on Critical Discourse Analysis*, Valencia, 5th May 2004.
- Van Dijk, T. A. (1993), "Principles of critical discourse analysis", *Discourse & society*, 4(2), 249-283.



Van Dijk, T.A. (2001), "Cognitive Discourse Analysis", (October, 12, 2004)  
<http://www.discourse-in-society.org/cogn-dis-anal.htm>

Wolfsfeld, G. (2000), *Media and political conflict: News from the Middle East*, Cambridge University Press.

Yule, G. (1996), *Pragmatics*, China: OUP.

Wodak, R. and Meyer, M. (2001), *Methods of Critical Discourse Analysis*, London: Sage.